



٥٨١٤٣



۱۳۸۴ / ۱۰ / ۳۰

دانشکده اصول الدین

قم

گروه علوم قرآن و حدیث

پایان نامه کارشناسی ارشد

از اطلاعات آرنج علی ابن
ممنونم

موضوع

استغفار و آثار آن در آیات و روایات

استاد راهنما

حضرت آیت الله حاج شیخ محمد هادی معرفت

استاد مشاور

دکتر ولی الله نقی پور

نگارش

جواد نجفی کانی

سال تحصیلی ۱۳۷۹

۵۸۱۶۲

نیسمال: اول

تقدیم به:

- همسر مظلوم دخت نبی اکرم (ص)،

- اولین وصی پیامبر خاتم (ص)،

- یگانه مولود کعبه معظم،

- حضرت مولی الموحدین امیر المؤمنین

امام علی بن ابیطالب علیه السلام

- ارواح طیبه شهیدان هشت سال دفاع مقدس،

- بالاخض شهید سید محمد عزیزی که خواندن قرآن را به من آموخت،

- و نیز تقدیم به روح مرحوم پدر بزرگم که در کودکی

مرا با مسجد و قرآن آشنا ساخت.

« هذا من فضل ربي »

تقدیر و تشکر

سپاس بی شمار، خداوند مهربان را، که توفیق انجام این رساله را عنایت فرمود. آنچه پیش رو دارید، ثمره مطالعات و تحقیقاتی است که، با راهنماییهای اساتید بزرگوار حضرت آیت الله حاج شیخ محمدهادی معرفت (دامت برکاته) و جناب آقای دکتر ولی الله نقی پورفر، بیار نشسته است.

بر خود لازم دانسته از زحمات و دقت نظر آن عزیزان تشکر و قدردانی نمایم.

و نیز از صمیم قلب از پدر و مادر بزرگوارم، فرزندان عزیزم و همسر مهربان و باگذشتم، که شرایط ادامه تحصیل را برایم مهیا کرده اند سپاسگزارم.

چکیده

رساله‌ای که در پیش رو دارید تحقیقی است درباره استغفار و آثار آن در آیات و روایات نخست در بیان کلیات پژوهش، از جمله تعریف مفاهیم موضوع و ارائه معنی مغفرت و غفران می‌باشد. در فصل دوم بعد از تعریف استغفار و بیان رابطه آن با توبه، به شرایط و آداب آن پرداخته شد. و در بخش دیگر این فصل، استغفار ملائکه، انبیاء (ع) و مؤمنین مورد بحث قرار گرفته است. درباره استغفار انبیاء باید گفت که اعتراف پیامبران به گناه و آمرزش طلبی آنان از باب مخالفت با اوامر مولوی خدا که حقیقت «معصیت و گناه» است نمی‌باشد، ما دلائل عقلی، روایی و قرآنی فراوانی داریم مبنی بر اینکه پیامبران معصومند و مرتکب گناه نمی‌شوند و اگر با مطالبی برخورد می‌کنیم که دلالت دارد بر اینکه انبیاء هم مرتکب گناه می‌شدند باید آن را تأویل ببریم و حمل بر گناه مصطلح نکنیم، در بخش دوم این فصل به این مسئله مهم پرداخته شد.

و در فصل سوم آثار و موانع استغفار مورد کنکاش قرار گرفته است. از دیاد رزق و روزی را می‌توان از مهمترین آثار دنیوی و بخشش و آمرزش گناهان و ورود به بهشت را نیز می‌توان از مهمترین آثار اخروی استغفار دانست. در فرازی دیگر به موانع استغفار اشاره شده است که مهمترین مانع، گناه و آلودگیهای معنوی می‌باشد، در این قسمت پس از تعریف گناه، معانی واژه‌های مشابه آن مانند اثم، وزر و... نیز آورده شد، و در پایان این فصل پژوهشی درباره آثار سوء گناه صورت گرفته است - و در خاتمه موضوعاتی برای پژوهش به دانشجویان محترم پیشنهاد شده است.

کلید واژه‌ها

غفران، توبه، انابه، اوب، عفو و صفح.

فهرست مطالب

چکیده	پنج
فصل اول: کلیات پژوهش	۱
تبیین اجمالی موضوع	۲
کلید واژه‌ها	۲
۱- آؤب:	۲
۲- غفر:	۳
۳- نوب:	۳
۴- توب:	۳
۵- عفو:	۴
۶- صفح:	۵
ضرورت بحث	۵
پیشینه تحقیق	۶
ارزش منابع تحقیق	۶
روش تحقیق	۷
روش تفسیری قرآن به قرآن	۷
محدودیتها	۱۰
فصل دوم: استغفار در آیات و روایات	۱۱
بخش اول: استغفار، شرایط و آداب آن	۱۲
تعریف استغفار	۱۲
رابطه استغفار و توبه در قرآن	۱۴
فرق بین استغفار و توبه	۱۶

۱۶	«ضرورت استغفار»
۱۹	شرایط استغفار
۲۱	۱- پشیمانی از گناهان گذشته
۲۳	۲- تصمیم بر ترک گناه و تکرار نکردن آن
۲۸	۳- رد مظالم و حق الناس
۳۰	۴- جبران کردن حق الله
۳۱	۵- تطهیر بدن از مال حرام
۴۲	۶- صبر بر رنج عبادت
۵۰	مراحل استغفار
۵۰	۱- پشیمانی قلبی
۵۰	۲- اصلاح
۵۶	۳- استغفار
۶۳	آداب استغفار:
۶۳	۱- غسل و وضو
۶۶	۲- نماز
۷۱	۳- صدقه و انفاق
۷۳	۴- حسن ظن به خدا:
۷۸	۵- اعتراف به اینکه جز خدا کسی بخشنده گناهان نیست
۷۹	۶- استغفار در پنهانی
۸۱	۷- تکرار استغفار
۸۲	۸- عفو و بخشش در مورد دیگران:
۸۷	بخش دوم: مراتب استغفار
۸۷	استغفار ملائکه
۸۸	آیا فرشتگان برای همه استغفار می کنند؟
۹۱	استغفار انبیاء
۱۰۴	استغفار مؤمنین

۱۱۰	فصل سوم: آثار و موانع استغفار
۱۱۱	بخش اول: آثار استغفار
۱۱۱	الف - آثار دنیوی
۱۱۳	۱- امنیت
۱۱۶	۲- زیاد شدن روزی
۱۱۶	الف: روزی مادی
۱۲۰	ب: روزی معنوی
۱۲۲	۳- طولانی شدن عمر
۱۲۷	۴- افزایش قوت و نیرو
۱۲۹	ب - آثار اخروی
۱۲۹	۱- استجابات دعا
۱۳۱	۲- قطع شریان شیطان
۱۳۴	۳- تبدیل سیئات به حسنات
۱۳۸	۴- آمرزش گناهان و کسب رحمت الهی
۱۴۱	۵- رهایی از آتش جهنم و ورود به بهشت
۱۴۸	۶- زدوده شدن زنگارهای گناه
۱۵۴	بخش دوم: موانع استغفار
۱۵۸	تعریف گناه و واژه‌های مشابه آن
۱۵۹	ذنب:
۱۶۰	وزر:
۱۶۰	جرم:
۱۶۱	اثم:
۱۶۲	خطأ:
۱۶۲	اصر:
۱۶۳	حُوب:
۱۶۳	عصا:
۱۶۴	فساد:

۱۶۴	فسق:
۱۶۵	فجر و فجور:
۱۶۶	واژه‌های فُحش، فحشاء و فاحشه:
۱۶۶	جنف:
۱۶۶	جنی:
۱۶۶	جُنَّاح:
۱۶۷	السُّوء:
۱۶۷	بِس:
۱۶۸	خطل:
۱۶۸	لمم:
۱۶۸	«حق الله» و «حق الناس»:
۱۷۰	تقسیم گناه به کبیره و صغیره:
۱۷۲	معیار شناخت کبیره از صغیره:
۱۷۳	مواردی که گناه صغیره تبدیل به کبیره می‌شود:
۱۷۵	«گناه مطلق» و «گناه نسبی»:
۱۷۷	آثار گناه:
۱۷۸	الف: اثر روحی:
۱۷۹	ب: اثر مادی:
۱۷۹	ج: اثر اخروی:
۱۸۰	۱- نفاق:
۱۸۱	۲- کفر:
۱۸۲	۳- عالم‌گیر شدن فساد:
۱۸۳	۴- زیبا دیدن گناه:
۱۸۴	۵- بی‌پروائی:
۱۸۶	۶- سلب آرامش روحی:
۱۸۷	۷- نیامدن باران:
۱۸۹	خاتمه:

فصل اول:

کلیات پژوهش

تبیین اجمالی موضوع

یکی از مسائل مهم که در عین سادگی و روشنی، غامض و پیچیده بوده و کج فهمیها و لغزشگاههای فراوانی دارد بحث استغفار است. معتقدان به ادیان الهی هر یک بنوعی درگیر این مباحث می‌باشند. در این طرح تحقیقی برآنیم تا از بعضی غوامض پرده برداریم. ابتدا، به عنوان مقدمه، بحثی درباره گناه، آثار و عواقب دنیوی و اخروی آن خواهیم داشت. در مرحله بعد با تعریف استغفار به بیان شرائط و آثار آن می‌پردازیم یکی از موضوعات اصلی مورد بحث، مسئله استغفار انبیاء و اولیاء می‌باشد. برای تبیین این مسئله نگرش قرآن را به موضع استغفار مورد موشکافی قرار داده و نمونه‌های قرآنی را ارائه داده به بررسی دیدگاههای مختلف در این خصوص می‌پردازیم.

کلید واژه‌ها

۱- اَوْب:

«به معنی نوعی بازگشتن است. این بازگشت یعنی - اَوْب - فقط درباره موجودی است که با اراده است اما رجوع درباره موجود با اراده و بی‌اراده هر دو اطلاق می‌شود. «إِن الینا ایابهم»^(۱) «یعنی بازگشتشان بسوی ماست» اَوَاب مانند تَوَاب - کسی است که بخدای تعالی بازگشت می‌کند چنانکه می‌فرماید «اَوَاب حَفِیظ»^(۲): و اِنَّهٗ اَوَاب»^(۳)»^(۴)

۱- غاشیه/۲۵.

۲- ق/۳۲.

۳- ص/۱۷.

۴- راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، دارالمعرفة بیروت، ص ۳۰

در مقایسه اللغه هم به معنی رجوع و بازگشت آمده است «و هو الرجوع»

۲- غفر:

«الغفر لباس ما يصونه عن الدنس.» «پوشیدن آنچه که انسان را از پلیدی و آلودگی مصون می‌دارد.» و از این معنی گفته می‌شود. «اغفر ثوبك في الوعاء» «لباست را در ظرف شستشو کن تا چرکش دور شود.»^(۱)

غفران و مغفرة: از سوی خدای این است که بنده را از اینکه عذاب به او برسد مصون می‌دارد مثل آیه و مغفرة من ربكم»^(۲) «و اصل الغفر التغطية والستر. غفر الله ذنوبه أي سترها»^(۳)

۳- نوب:

«بازگشت چیزی و رجوع پی در پی به آن چیز، فعلش- ناب نوباً و نوبهً- است» «الإ نابة الى الله تعالى» «بازگشت به خدای با توبه و ندامت و اخلاص در عمل»^(۴)

۴- توب:

«التوب ترك الذنب على اجمل الوجوه و هو ابلغ وجوه الاعتذار» «توب یعنی ترک گناه به بهترین وجه». واژه توبه از جهاتی از اعتذار رساتر است زیرا اعتذار و عذرخواهی بر سه وجه است.

۱- اینکه عذر خواهند می‌گویند نکرده‌ام.

۲- یا باین دلیل گناه کردم.

۳- یا اینکه گناه کردم بد کردم و دیگر تکرار نمی‌کنم که این معانی وجه چهارم ندارد و

۱- پیشین، ص ۳۶۲، ج ۱۰، ص ۹۱.

۲- پیشین، آل عمران/ ۱۳۳.

۳- ابن منظور، لسان العرب، داراحیاء التراث العربی بیروت، ج ۱۰، ص ۹۱، چاپ اول، ۱۴۰۸ ه.ق.

۴- راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، دارالمعرفة بیروت، ص ۵۰۸-۵۰۷.

قسمت اخیر یعنی معنی سوم همان توبه است.»^(۱) در مقایس اللغه آمده است که:

«توب: کلمه واحده تدل على الرجوع. يقال تاب من ذنبه أى رجع عنه يتوب الى الله توبَةً و متاباً» «توب کلمه واحدی است که دلالت بر رجوع و بازگشت می کند: گفته می شود برگشت از گناهش، رجوع و بازگشت کرد بسوی خدا یک بازگشتنی»^(۲)

۵- عفو:

در مقایس اللغه آمده است که عفو به دو معنی می آید یکی به معنی ترک شیء است و دیگری به معنی طلب شیء می باشد فروعاً زیادی دارد که به این دو معنی برمی گردد.

«عَفُوَّ اللهُ تَعَالَى عَنْ خَلْقِهِ، وَ ذَلِكَ تَرَكَهُ أَيَاهُمْ فَلَا يِعَاقِبُهُمْ» «عفو خداوند متعال از بندگانش یعنی اینکه خداوند آنها را رها کرده و عقابشان نمی کند.»^(۳)

راغب در مفردات می گوید:

«العفو: القصد لتناول الشيء، عفو یعنی قصد گرفتن چیزی نمودن. عفوت عنه: قصد از بین بردن گناهش نمودم که از انجام آن برگردد. عفو: دور شدن از گناه است»^(۴) «خُذِ الْعَفْوَ وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ وَأَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ»^(۵)

با آنها مدارا کن و عذرشان را بپذیر و به نیکیها دعوت نما و از جاهلان روی بگردان (و با آنها ستیزه مکن)

عفو در لغت معانی مختلفی دارد، از جمله:

۱- پیشین، ص ۵۰۸.

۲- ابن فارس، مقایس اللغه، ج ۱، ص ۳۵۷، الدار الاسلامیه، ۱۴۱۰ هـ ق.

۳- ابن فارس، مقایس اللغه، الدار الاسلامیه، ج ۴، ص ۵۶، ۱۴۱۰ هـ ق.

۴- راغب اصفهانی، مفردات، دارالمعرفه، بیروت، ص ۳۳۹.

۵- اعراف/ ۱۹۹

«بخشش و آمرزش» و «از بین بردن اثر» و «قصد گرفتن چیزی» و «وسط و میانه هر چیز» و «مقدار اضافی چیزی» و «بهترین قسمت مال»^(۱)

۶- صفح:

«صفح الشيء عَرَضَهُ وَ جَانِبَهُ كَصَفْحَةِ الْوَجْهِ وَ صَفْحَةِ السَّيْفِ»
والصفح ترك تَثْرِيْبٍ وَ هُوَ اِبْلَغٌ مِنَ الْعَفْوِ وَ لِذَلِكَ قَالَ: (فَاعْفُوا وَ اصْفَحُوا
حَتَّى يَأْتِيَ اللّٰهُ بِاَمْرِهِ) وَ قَدْ يَعْفُو الْاِنْسَانُ وَ لَا يَصْفَحُ «پهنا و کنار هر چیز که
مثل رخسار و صورت است صفح الشيء است و پهنای شمشیر. در گذشتن
و نکوهش نکردن که از معنی- عفو- رساتر است و لذا گفت (ببخشید و در
گذرید تا حکم حق برسد)^(۲) گاهی انسان می بخشد و عفو می کند ولی در
نمی گذرد.»^(۳)

ضرورت بحث

با توجه به ویژگیهای انسان و تجربیاتی که در معرض دید همگان است. عموم انسانها بجز معدودی از بندگان خاص الهی، در معرض گناه و عصیان قرار دارند و کم و بیش بدان آلوده می گردند. با این وصف و با توجه به اینکه همین اعمال آدمی، ابدیت او را می سازند اهمیت موضوع رهایی از گناه و آلودگی و پاکسازی روح و روان مشخص می گردد. در متون دینی استغفار به عنوان شستشو دهنده و پاک کننده آلودگیها معرفی شده است و با توجه به کمبود منابع و تحقیقات در این موضوع به طور خاص، ضرورت پرداختن به این مبحث مشخص می شود، که انشاءالله به فضل الهی ما قصد اقدام به این کار را داریم.

۱- ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۸۰.

۲- بقره/۱۰۹.

۳- راغب اصفهانی، مفردات، دارالمعرفة، ص ۲۸۲.

پیشینه تحقیق

این بحث ریشه قرآنی داشته و نتیجه مفسرین در مطاوی تفاسیرشان بدان پرداخته‌اند. علمای علم اخلاق^(۱) در ادوار مختلف به این موضوع نگریسته و به آن عمق و غنا بخشیده‌اند. علمای علم کلام در بحثهای مربوط به عصمت انبیاء بحث استغفار آنها را نیز مورد کنکاش قرار داده‌اند. در میان پایان‌نامه‌های دانشگاهی، کسی متعرض این موضوع نشده است هر چند در لابه‌لای آنها به گوشه‌هایی از این بحث پرداخته شده است. تا آنجا که اینجانب اطلاع دارم تنها یک کتاب مستقل با عنوان [الاستغفار امان اهل الارض: الشیخ مکی الخویلدی / دارالبیان ۱۴۱۲ هـ ق] ملاحظه شد. این کتاب با بیانی ساده نوشته شده و به بحث‌های عمیق و اصولی پرداخته است.

ارزش منابع تحقیق

در این نوشتار سعی شده است که از منابع اصلی و دست اول و از تفاسیر و کتب روائی معتبر استفاده شود ولی به حسب نیاز از منابع دست دوم و هدایت‌کننده نیز استفاده شده است. قرآن و کتب روائی از قبیل کتاب شریف اصول کافی و نهج البلاغه از منابع اصلی و دست اول محسوب می‌شوند، کتابهای تفسیر از قبیل نورالثقلین، درالمثور، تفسیر نمونه و تفاسیر دیگر و همچنین سایر کتب که از منابع دست دوم و هدایت‌کننده محسوب می‌شوند نیز استفاده شده است. در ترجمه آیات از ترجمه حضرت آیه‌الله مکارم شیرازی (دامت برکاته) و از تفسیر نمونه استفاده شده است، ترجمه روایات را نیز از همان منابعی که روایت اقتباس شده است آورده‌ایم، در مورد کتابهایی مثل نورالثقلین و درالمثور که ترجمه فارسی ندارند، روایات مورد نیاز در این کتابها را از تفاسیر فارسی مثل تفسیر نمونه و از ترجمه المیزان که از این کتابها نقل کرده‌اند آورده‌ایم. می‌ماند ترجمه روایات معدودی که از حد انگشتان دست بیرون نمی‌باشند که به کمک یکی از دوستان ترجمه نموده‌ایم.

۱- مولی محسن کاشانی، محجة البیضاء، ج ۷، ص ۱۸، باب التوبه، دفتر انتشارات اسلامی، قم، و مولی مهدی، نراقی، جامع السعادات، ترجمه دکتر مجتبی، انتشارات حکمت، ج سوم، باب التوبه و سایر کتب اخلاقی.